

دردل یار نکردی اثر ای آه سحر  
 تاشکر خند زند گیل بسر شاخ چو ابر  
 همتی کن که در این سنک اثر باید کرد  
 دامن باغ ز آب مژه تر باید کرد  
 جا چو در حلقه زهاد ندادند مرا  
 در صف درد کشان خویش سمر باید کرد  
 ای که در عشق چو (بیدار) زنی گام طلب  
 اندرین راه زجان قطع نظر باید کرد

بیدار

## تصحیح یک بیت شرفنامه

بقلم مستشرق بزرگ نظامی پرست  
 پروفیسور برتلس روسی

در صفحه ۲۵۱ از شرفنامه حکیم نظامی گنجوی سطر ۳-۴ چنین نگاشته شده  
 زخیزان طرف تالب زنده رود  
 زبس رود خیزان که از می رسید  
 جهان گشت پر از نوای سرود  
 لب رامشان رود رامی گزید  
 در نسخ کهن سالی که ما را بدست است کلمه (رامشان رود)  
 باختلاف بسیار نوشته شده از قبیل (مامشان زود) (نامشان  
 رود) (جامشان رود) و امثال آن. در میان همه ما کلمه رامشان  
 رود را صحیح تصور کرده و ترجمه مناسبی نیز برای آن در ذیل صفحه  
 نگاشتیم.

چندی قبل از طرف مستشرق بزرگ نظامی پرست و دانشمند بی نظیر روسی  
 (پروفیسور برتلس) مکتوبی رسید و در ضمن تصحیح بیت چهارم را بطریق ذیل  
 برای ما ارمغان آورد

زبس رود خیزان که از می رسید  
 لب (مامشان رود) رامی گزید

چون در نسخ کهنه ما کلمه ( مامشان رود ) که تصحیح است وجود نداشت و ازین سبب غلط رامشان رود اختیار شده بود اینک بداندگان شرفنامه نظامی اطلاع میدهم که بیت غلط را تصحیح و کلمه ( مامشان رود ) را بجای رامشان رود نگاشته و نیز ترجمه ذیل صفحه را قلم بر سر کشیده و بدانند که ( مامشان رود ) رود خانه ایست بین همدان و توپسرکان و هنوز هم باین اسم معروفست و معنای دو بیت پیش این است :

از طرف خیزان که یکی از محلات یا قراءه شهر اصفهان بود و اکنون هم به همین نام در يك فرسنگی شهر موجود است تالب زنده رود همه جانوای سر و دبلند بود و از بس رود خیزنده می در رسید موج می از زنده رود اصفهان بمامشان رود همدان رسیده و لب مامشان رود را گزید .



الحق باید روش مستشرق و دانشمند بزرگ ( پروفیسور برتلس ) را سر مشق قرار داد و هر کس باید در مطالعه کتب ادبی یاقنی راجع بخود اینگونه بمطالعه و تدقیق پردازد . پروفیسور محترم هفت مجلد نظامی چاپ ارمغان را از اول تا آخر بدقت تمام مطالعه و با کتب کهن سال خمسه نظامی بمقابله و تطبیق پرداخته و در تمام هفت کتاب يك غلط و اشتباه را پیدا کرده و با نهایت ادب بما گوشزد کرده است ما هم اینک بانهایت افتخار عین مکتوب مستشرق بزرگ را برای اطلاع خوانندگان زیب صفحات ارمغان قرار میدهم .



لنیشگراد - ۷ ژوئن ۱۹۴۰

استاد عزیز محترم

پیش از همه باید تشکرات صمیمی بنده را از آنکه مرا بفرستادن جلد هفتم آن اثر بی مثل و مانند خود سرافراز و خوشبخت گردانیده اید بجناب عالی برسانم .

اگرچه البته زبان الکن بنده تمام احساسات قلبی مرا چنانکه بسایید  
 و شاید نمیتواند اظهار بکند ولی باید اقرار کنم که این شش جلد کتاب نظامی  
 چاپ جنابعالی مثل يك گنج شایگان همیشه در سفر و حضر در پیش بنده است  
 و برای يك ساعت از آنها دور نمیشوم

شما البته از مساعی که در مملکت ما برای انتشار دادن اشعار بو نظیر  
 این شاعر همیشه جوان در بین هزاران هزار خوانندگان میهن وسیع ما بکار  
 میرود اطلاع داشته باشید .

وقت بعمل آوردن این مقصد سترک ما همیشه از آن چاپهای جدیدی  
 که از طرف جنابعالی نشر شده است استفاده میکنیم . ازین سبب بنده ~~که~~  
 یکی از نظامی پرستان صمیمی هستم میخواستم بشما از ته دل تشکرات خود را  
 اظهار کنم از آن سعی و کوششی که شما در ترتیب دادن این انتشارات بکار برده اید .  
 جناب شما که یکی از بزرگترین متخصص اشعار پارسی هستید توانسته  
 اید بعضی از سطرهای مشکل که حل کردن معنی آن از حیز امکان ما بیرون  
 میبود شرح بکنید این بیانات شما برای ما ملذذت شدن را بتمام افکار عمیق  
 آن شاعر فیلسوف مشرب خیلی تسهیل نمود .

بنده چند بار در کنفرانسهائی که در باره اشعار نظامی در شهرهای  
 لنینگراد - مسکو و باکو داده بودم با رضایت تمام از آن مساعی فوق العاده  
 جنابعالی یاد کرده ام .

خواهشمندم بعضی از شبهه هائی که درباره يك بیت شرفنامه دارم بجناب  
 شما خبر دهم .

در صفحه ۲۵۱ بیت چهارم شما پیش نهاد کرده اید « رامشان رود »  
 خواننده شود ولی در تمام نسخه های خطی عصر چهاردهم میلادی که در دسترس

بنده است در اینجا « مامشان رود » دیده میشود . بعقیده بنده این هم درست است چونکه زکریای قزوینی میگوید در اطراف همدان يك وادی که ( مامشان رود ) گفته میشود وجود داشته است . همان وادی را یاقوت حموی « ماوشان رود » میگوید . اگر ما در این بیت مامشان رود بخوانیم معنی بیت يك قدری تغییر مییابد و تصور میرود که شاعر در نظر داشته بود صنعت ایهام را در اینجا بکار برد خیلی خواهش مندم بدانم آیا جنابهای باین پیش نهاد موافق خواهید شد یا نه .

در این اواخر تمام خمسه و آن قسمتی از دیوان نظامی که در دسترس ما بود در زیر تحریر بنده بزبان روسی ترجمه شده است . این ترجمه بدون رعایت کردن بحر و قافیه با سلوب نظم انجام یافته است ولی قسمت زیادی از اشعار نظامی هم از طرف شعرای ما بزبان روسی ترجمه شده است . اگر چه بعضی از آن ترجمه ها میتوان ادعا کرد که بد نیست ولی بنظر بنده تاکنون هیچ یکی از آنها نتوانسته است تمام سلاست و مئآت نظامی را محفوظ دارد

وقت خواندن این ترجمه ها همیشه یادم میاید از ترجمه هائی که جنابهای از اشعار شاعر بزرگ روس « پوشگین » کرده اید باید اقرار کنم که تاکنون من در هیچ زبانی ترجمه اشعار پوشگین را که مانند ترجمه های جناب شما باشند هنوز ندیده ام . من همیشه متحیر بوده و هستم که این اشعار بزبان پارسی آن قدر طبیعی و روانست و با آنها آهنگ و رنگ خالص خود را هیچ گم نکرده است .

برای شما يك کتابچه ناچیز میفرستم که در باره نظامی نوشته ام شما البته در این کتاب هیچ معلومات او نخواهید یافت ولی این کتاب نه برای مدققین